

دام برچیده شد

توافق باید در یک مرحله و در بر دارنده کلیات و جزئیات با یکدیگر باشد



■ رهبر انقلاب: توافق دومرحله‌ای که ابتدا توافق بر اصول کلی و بعد از مدتی توافق بر جزئیات باشد پسندیده نیست زیرا با تجربه‌ای که از رفتار طرف مقابل داریم، توافق صرف در کلیات وسیله‌ای خواهد شد برای بهانه‌گیری‌های پی در پی در جزئیات

■ من با توافقی که بتواند انجام شود موافقم اما با توافق «بد» موافق نیستم. ما هم معتقدیم توافق نکردن بهتر از توافق بد است

■ در روز ۲۲ بهمن دشمن خواهد دید که ملت ایران چه حضوری خواهد داشت و آن موقع معلوم خواهد شد که آیا ملت ایران دست بسته است؟ دست ملت و مسؤولان ایران هیچگاه بسته نبوده، بلکه آن طرفی که فعلا گیر افتاده و دچار مشکل است، آمریکاست

صفحه ۲

روزنامه صبح امروز
وطن امروز
 VATANEMROOZ.IR
 دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۳ | ۱۹ ربيع الثانی ۱۴۳۶ | ۹ فوریه ۲۰۱۵ | سال هفتم | شماره ۱۵۲۳ | ۱۶ صفحه | ۵۰۰ تومان
 VATAN-E-EMROOZ | Vol.07 | No.1533 | Mon.Feb.09, 2015 | ISSN:2008-2886

اسرائیل ستیزی، وجه تشابه رهبران حزب الله و انصار الله
سید عبدالملک در راه نصر الله
 صفحه ۱۵

وزیر خارجه با اشاره به انتقادات اخیر:
گفت و گو با آمریکا نتیجه نداشته است
 صفحه ۲

وزیر خارجه با اشاره به انتقادات اخیر:
گفت و گو با آمریکا نتیجه نداشته است
 صفحه ۲

اسمش است که جنگ تمام شده!

دول نوشت حسین قدیانی

شهدا را جریح‌دار می‌کند. شگفتا! ما از لباس بدون جلیقه ضدگلوله سردار قاسم سلیمانی می‌نویسیم، آقای روحانی فکر می‌کند درگیر کت و عینک جناب وزیر خارجه هستیم! دولت محترم فکر می‌کند اگر زیادی از صلح و مذاکره و توافق حرف بزنند، شیطان بزرگ آدم می‌شود، داعشی‌ها اسلحه بر زمین می‌گذارند و تحریم‌ها برداشته می‌شود! اینکه نشد فکر! مهم‌تر از عقل سالم، فکر سالم است!

بعضی‌ها فکر می‌کنند جنگ تمام شده! فکر می‌کنند اواما نه جلاذ تحریم که «باهوش و مؤبد» است! فکر می‌کنند اوراق سررسید از باده شهادت تهی شده! فکر می‌کنند کربلا درس مذاکره است! الگو برای من پاسدار شهید سیداحسان حاج‌حتملو است. خون شهید سیاه، نوحه‌های بی‌رحم دشمن را در همان بیرون مرزها ننگ داشته تا مسؤول امور اجرایی کشور فکر نکند معضلات اقتصادی با نگاه به دشمن قابل حل است. این قطرات خون یعنی اتکا به جوانان خودت داشته باش. جنگیدن در خرابه‌های اطراف حلب، یقیناً آسان‌تر از مذاکره در هتل‌های چندستاره نیست! از شهدای هسته‌ای بگیر تا همین شهید اخیر، یعنی که دشمن



بس است! اندکی هم اقتصاد را دریابید! دیروز در شهر گرگان پیکر پاک سیداحسان شهید روی دوش مردم مشایعت شد تا در آغوش سیدالشهدا آرام بگیرد. حقا که خدا بهتر از کدخدایان می‌دهد! کدخدایی که دیگر نیست، در امور ملت خودشان را می‌نویسیم چه می‌نویسیم که هنوز درگیر تبعیض‌نژادی است!

آمریکا خیلی حدت کند، مشکلات اقتصادی خودش را حل کند! آمریکا با تحریم ملت‌های دیگر، مشکل‌آفرینی نکند، حل مشکل دیگران پیشکش! اسمش است جنگ تمام شده. یک ذره از خوی جلادی رؤسای جمهور آمریکا کم نشده! هر که رئیس‌جمهور می‌شود، از آن قبلی متفرع‌تر، دروغ‌گوتر، وحشی‌تر، خودخواه‌تر! این دیو بدتر کیس را مگر با خون امثال همین سیداحسان شهید رسوا کنیم، با اشک‌های همسرش که از قهرمان قصه ما فرزندی در راه دارد... آری! «اسمش است جنگ تمام شده».

دوم - قلب فرمایشات روز یکشنبه رهبر معظم انقلاب اسلامی جای بود که برای دومین بار در یک ماه گذشته تأکید فرمودند در هرگونه توافق نهایی همه تحریم‌ها باید یکجا برداشته شود. این مهم‌ترین ضابطه یک توافق خوب از نظر ایران است. اطلاعات موجود در منابع غربی ظرف هفته گذشته نشان می‌داد آمریکایی‌ها می‌خواهند در توافق نهایی تحریم‌ها را برای یک بازه زمانی طولانی مدت گروگان بگیرند. ایران باید در همان لحظه امضای توافق امتیازهای فراوانی را واگذارد می‌کرد اما به مدت یک دهه - و شاید هم بیشتر - منتظر می‌ماند تا آمریکا تحریم‌ها را به تدریج، تعلق - نه لغو - کند. اکنون معنای مفهوم توازن در توافق نهایی روشن شده است. از دید ایران، فقط توافقی یک توافق متوازن محسوب می‌شود که در همان لحظه نخست پس از امضای آن، همه انواع تحریم‌ها لغو شود. این مشکل ایران نیست که دولت آمریکا اختیارات کافی برای راضی کردن کنگره به چنین کاری را دارد یا نه؛ همانطور که ایران متعهد است در صورت حصول توافق، مشکلات داخلی خود را حل کند، دولت آمریکا هم خود باید بار حل و فصل مشکلات سیاسی در واشنگتن را به دوش بکشد.

ادامه در صفحه ۶

روند مذاکرات این تصحیح مسیر
تصحیح مسیر مذاکرات
 مهدی محمدی

یک توافق ترجیح می‌دهد. بر خلاف آنچه بسیاری می‌پندارند، اتخاذ این موضع به جای اینکه آمریکا را سرسخت کند، منعطف‌تر خواهد کرد. آمریکا اگر تا دیروز دچار این توهم بود که ایران چاره‌ای جز توافق با هر شرایطی ندارد، امروز می‌داند که برخی اشکال توافق وجود دارد که ایران در رد کردن آن تردید نمی‌کند و خصوصا اگر مذاکرات با روال فعلی پیش برود قطعاً توافقی حاصل نخواهد شد. این پیامی است که آمریکایی‌ها به شنیدن آن از زبان عالی‌ترین مقام در ایران نیاز داشتند و اکنون یا باید آن را در مواضع خود لحاظ کنند یا اینکه در انتظار شکست قطعی مذاکرات باشند. این کمک بزرگی به تیم مذاکره‌کننده است تا بتواند در این مقطع بسیار حساس از آمریکا امتیاز بگیرد. علاوه بر این، آزمونی مهم برای آمریکا هم هست که روشن شود این کشور واقعا به دنبال دستیابی به توافقی است که در آن نگرانی‌های مرتبط با عدم اشناسه، رفع شده باشد یا اینکه می‌خواهد توافق هسته‌ای را به یک ابزار فشار تاریخی بر ایران تبدیل کند؟

ادامه در صفحه ۶

بدون تردید، سخنان روز گذشته رهبر معظم انقلاب اسلامی مسیر دیپلماسی هسته‌ای ایران و ۵+۱ را تغییر خواهد داد.
 مسیری که تا پیش از این فرمایشات در حال طی شدن بود، چند ویژگی اساسی داشت:
 ۱- در مسیر پیشین، توافق سیاسی درباره اصول، از توافق درباره جزئیات تفکیک شده بود.
 ۲- تیم مذاکره‌کننده ایرانی تقریباً پذیرفته بود چاره‌ای جز پذیرش یک جدول زمانی بلندمدت برای تعلق و لغو تحریم‌ها ندارد.
 ۳- طرف غربی عمیقاً دچار این سوءتفاهم بود که ایران جز تداوم مذاکره و رسیدن به یک توافق - ولو توافق بد - چاره‌ای ندارد.
 این سخنرانی همه معادلات را تغییر خواهد داد. سخنان روز یکشنبه به این معناست که روش‌های پیشین نمی‌تواند ادامه پیدا کند و محاسبات آمریکا درباره الگوی رفتار ایران از بیخ و بن نادرست بوده است. مهم‌ترین نکته در اینجا این است که سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی نشان دهنده این است که هیچ مکاتیم اجباری برای توافق میان ایران و ۵+۱ وجود نخواهد داشت و ایران فقط توافقی را می‌پذیرد که آن را به اندازه کافی خوب بداند. در اینجا چند نکته بسیار اساسی وجود دارد:

ادامه در صفحه ۶

ماجراهای خنده‌آورش، اساساً از عدم توانایی‌اش در همگامی با جامعه‌اش نشأت می‌گیرد. اغلب فرد - قهرمان - مورد نظر تمایلات بسیار دارد عضوی از جامعه شود. ترکیبی از معصومیت - و حالت کودکانه - آرمانی‌اش با بی‌تفاوتی جامعه، او را از موفقیت دور نگه می‌دارد. پس کم‌دی، کودکی زنده می‌خواهد نه ادای آن.
 کم‌دی، حیات می‌خواهد؛ حیات کمیک. دیدن و تجربه کردن مدامش.
 کم‌دی را باید در حیات اجتماعی و فردی به رسمیت شناخت، آزادش کرد تا در بگیرد. رشد کند و اثر بگذارد. اگر کم‌دی را تجربه نکنیم و نشناسیم، به لوگی می‌افزیم و توهین؛ به خود، و به جامعه.

ادامه در صفحه ۱۶

ضد یادداشت‌های جشنواره‌ای: ناتوانی یا توهین؟
 مسعود فراستی

کم‌دی، سخت است، خیلی سخت. شاید سخت‌ترین ژانر سینماست و کم‌دی موقعیت سخت‌تر از همه کم‌دی، اکتسابی نیست، درونی و ذاتی است، رشد فرهنگی و اجتماعی بسیاری می‌خواهد، نه فقط رشد و تربیت فردی. کم‌دی، ظرفیت بالای فردی و بویژه اجتماعی می‌طلبد. دموکراسی اجتماعی جدی و نهادینه می‌خواهد، که ما نداریم. ما با خیلی‌ها و خیلی چیزه‌هایی توانیم شوخی کنیم؛ خط قرمزند. همین نتوانستن‌ها و خط قرمزهای افراطی است که به جوک‌های اسام‌اسی تبدیل می‌شوند و سرریز. کم‌دی با جدی‌ترین وجوه حیات اجتماعی

ادامه در صفحه ۱۶

ایران برگر، فیلم بدی است؛
نقد میهمان
 بسیاری بد. از یک فیلمساز معتبر و محترم، یک کم‌دی سخیف است که اجتماعی می‌نماید، که نیست، سعی بسیار دارد که ما را یاد برخی حوادث انتخاباتی مان بیندازد و آن را به نقد بکشد، که نمی‌تواند. فیلم گویی در ناکجاآباد می‌گذرد و زمانش هم بیشتر ما را یاد «برره» می‌اندازد - منهای تاون و شوخی‌های مدیری - و اخراجی‌های ۳ و ابتدائش.
 چرا؟ فیلمساز، کم‌دی ساز نیست. در شخصیتش اصلاً کم‌دی نیست. شوخ‌طبعی درونی‌اش، نوعی عرفانی است که به کم‌دی تبدیل نمی‌شود. دستیار نویسنده‌اش هم مطلقاً کم‌دی نمی‌فهمد؛ شعار چرا، شعارهای اخلاقی و ایندولوزیک.

ادامه در صفحه ۱۶